



چرا پیامبر (ص) فدك را به حضرت زهرا(س) بخشید؟

فدك از بیت المال نبود که متعلق به همه مسلمانان باشد، بلکه از اموالی بود که اختصاص به پیامبر اسلام(ص) داشت، که هر جا صلاح می دانست، به مصرف می رساند.

فدك از بیت المال نبود که متعلق به همه مسلمانان باشد، بلکه از اموالی بود که اختصاص به پیامبر اسلام(ص) داشت، که هر جا صلاح می دانست، به مصرف می رساند.

اندیشمندان شیعه باور دارند که فدك از بیت المال نبود که متعلق به همه مسلمانان باشد، بلکه از اموالی بود که مختص بر رهبر حکومت و حاکم اسلامی است، که هر جا صلاح دانست، به مصرف می رساند به عبارت دیگر: فدك از اموال خالصه پیامبر (ص) بود.

فدك از بیت المال نبود که متعلق به همه مسلمانان باشد، بلکه از اموالی بود که اختصاص به پیامبر اسلام داشت، که هر جا صلاح می دانست، به مصرف می رساند. به عبارت دیگر: فدك از اموال خالصه پیامبر (ص) بود. (۱) اموال خالصه به اموالی گفته می شود که متعلق به حاکم اسلامی است و پیامبر (ص) به عنوان ولی مسلمانان در آن تصرف می کند و مصرف پیامبر در امور جنگی و غیره نیز به صلاح دید ایشان بوده است.

در مباحث فقهی بابی است به نام "فیئ" که در کتاب جهاد و یا احیاناً در باب صدقات از آن بحث می شود: "فیئ" در لغت به معنای بازگشت است و مقصود از آن سرزمین هایی است که بدون جنگ و خونریزی به تصرف حکومت اسلامی در آید و ساکنان آن تحت شرایطی تابع حکومت اسلامی شوند. این نوع اراضی که بدون مشقت و جنگ در اختیار پیامبر قرار می گرفت، مربوط به حکومت اسلامی بود و سربازان مسلمان در آن حقی نداشتند. پیامبر (ص) در آمد آن ها را در مصالح اسلامی به مصرف می رساند و گاهی میان افراد مستحق تقسیم می کرد. (۲)

محدثان و سیره نویسان اتفاق دارند که فدك "فیئ" بود، از این رو از اموال خالصه پیامبر می باشد، زیرا فدك هرگز به جنگ و غلبه فتح نشد، بلکه هنگامی که خبر شکست خیبریان به دهکده فدك رسید، اهالی آن جا حاضر شدند با پیامبر از در صلح وارد شوند و نیمی از اراضی فدك را در اختیار حضرت بگذارند و در برابر آن در انجام مراسم مذهبی خود کاملاً آزاد باشند و متقابلاً حکومت اسلامی امنیت منطقه آنان را تأمین کند. طبق صریح آیات و روایات این گونه سرزمین ها از اموال خالصه حاکم اسلامی است. در آیه های ۶ و ۷ سوره حشر می خوانیم: "آنچه را خداوند به رسولش از آن ها (یهودیان) باز گرداند، چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتهی نکشیدید، نه اسبی تاختید و نه شتری... آن چه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان... او است.

مضمون آیه این است: اگر کفار، بدون جنگ چیزی را برای صلح و تسلیم شدن دادند، مانند سایر غنائم جنگی نیست که یک پنجم آن خمس و چهار پنجم آن میان مجاهدان تقسیم شود، بلکه آنان سهمی ندارند و همه آن ها در اختیار پیامبر قرار می گیرد. (۳)

امام رضا (ع) فرمود: هنگامی که آیه "و آتِ ذَٰلِقَرْبِی حَقَّهُ" نازل شد، پیامبر به فاطمه فرمود: فدك از اموالی است که بدون جنگ گرفته شده است و به من اختصاص دارد، و سپس آن را در اختیار حضرت زهرا قرار داد. در آموزه های اسلامی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) اختیار دارند که حتی بیت المال را هر جا که صلاح دیدند، به مصرف برسانند از سویی دیگر دلائل و شواهد نشان می دهد که اعطای فدك به حضرت زهرا (س) طبق دستور خداوند بود و پیامبر (ص) با بخشیدن فدك به حضرت زهرا دستور خدا را اطاعت کرده است. (۴)

ابان بن تغلب گوید: به امام صادق (ع) گفتم: آیا فدك را به فاطمه داد؟ امام فرمود: فدك از طرف خداوند برای فاطمه بود. (۵) جمعی از مفسران شیعی و سنی شأن نزول آیه "فَاتِ ذَٰلِقَرْبِی حَقَّهُ ..." را خویشاوندان پیامبر (ص) دانسته اند. (۶) جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۰۹ هجری قمری) در تفسیر خود می نویسد: وقتی این آیه نازل گردید، پیامبر (ص) فاطمه را خواست و فدك را به او داد. (۷)

ابو مریم گوید: هنگامی که آیه "آت ذالقربی حقہ..." نازل شد، پیامبر فدک را به فاطمه اعطا کرد. ابان بن تغلب که آن جا حاضر بود، به امام باقر (ع) عرض کرد: پیامبر فدک را به فاطمه داد؟ امام باقر فرمود: خدا فدک را به فاطمه داد. (۸)

تاریخ زندگی پیامبر و خاندان او به خوبی گواهی می‌دهد که آنان هرگز دلبستگی به دنیا نداشته و چیزی که از نظر آنان ارزشی نداشت، ثروت دنیا بود. با این حال پیامبر (ص) فدک را به حضرت زهرا و خاندان علی (ع) اختصاص داد. به نظر می‌رسد در خصوص اعطای فدک به حضرت زهرا (س) عوامل متعددی تأثیر گزار بوده‌اند که به بعضی اشاره می‌شود

۱- زمامداری مسلمانان پس از فوت پیامبر طبق تصریح مکرر حضرت، با امیرمؤمنان (ع) بود و این مقام به هزینه سنگینی نیاز داشت. حضرت علی (ع) برای اداره امور وابسته به منصب خلافت می‌توانست از درآمد فدک به بهترین گونه استفاده کند. گویا دستگاه خلافت از پیش بینی پیامبر (ص) آگاه شده بود که در همان روزهای نخست، فدک را از دست خاندان پیامبر خارج کرد.

۲- دودمان پیامبر (ص) که مظهر کامل آن، یگانه دختر وی و نور دیدگانش حضرت حسن و حسین (ع) بودند، باید پس از فوت پیامبر به صورت آبرومندی زندگی کنند و حیثیت و شرف رسول اکرم و خاندان وی محفوظ بماند. برای تأمین این منظور پیامبر فدک را به دختر خود بخشید.

۳- بی تردید اموال حضرت خدیجه درگسترش اسلام و روند زندگی شخصی پیامبر (ص) بسیار تأثیر گزار بود. پیامبر با اعطای فدک به حضرت زهرا (س) - یگانه دختر خدیجه - زحمات و ایثارگری‌های خدیجه را خواست جبران کند. از این رو فدک را به فاطمه (س) بخشید.

۴- پیامبر می‌دانست که گروهی کینه حضرت علی (ع) را در دل دارند، زیرا بسیاری از بستگان ایشان به شمشیر وی در میدان‌های جهاد کشته شده بودند. یکی از راه‌های زدودن کینه‌ها این بود که امام از طریق کمک‌های مالی از آنان دلجویی کند و عواطف آنان را به خود جلب نماید. از سوی دیگر با بهره‌گیری از درآمدهای فدک به حمایت از فقیران پرداخته و از این طریق، موانع عاطفی که بر سر راه خلافت او بود، از میان برداشته شود. هرچند پیامبر (ص) فدک را به زهرا (س) بخشید، ولی درآمد آن در اختیار صاحب ولایت بود تا از آن، علاوه بر تأمین ضروریات زندگی خود، به نفع اسلام و مسلمانان استفاده کند.

۵- ممکن است اعطای فدک جنبه سیاسی داشته باشد، یعنی به گونه‌ای زمینه‌ساز برای امامت حضرت علی (ع) و فرزندان معصومش باشد، شاید به همین خاطر غاصبان فدک، این حق مسلم را از حضرت فاطمه گرفتند. با این تحلیل فدک تنها در ارتباط با حضرت فاطمه (س) نبود، بلکه متعلق به فرزندان نیز بود. برخورد حکومت‌ها در طول چند قرن اول با مساله فدک این نظر را تقریب می‌کند که تعاملات در فدک به گونه‌ای رنگ سیاسی داشت، به همین خاطر برخی از حاکمان آن را به فرزندان حضرت فاطمه می‌دادند و برخی دیگر از دست آنان می‌گرفتند.

۶- حضرت خدیجه ثروت فراوانی داشت. همه آن‌ها را در اختیار پیامبر (ص) قرار داد، حضرت از آن‌ها بهره‌گرفت و در راه اعتلای کلمه الله و پیش رفت اسلام مصرف کرد. خدیجه از دنیا رفت و ثروتی از او باقی نماند که دخترش فاطمه (س) از آن بهره‌گیرد، خداوند به پیامبرش دستور داد: به پاس فداکاری‌های حضرت خدیجه و به عوض آن همه انفاق‌های آن بانوی بزرگ، فدک را به دخترش بدهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد باقر صدر، فدک فی التاریخ، ص ۳۶-۳۵؛ معارف و معاریف، ج ۷، ص ۷۴۸

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۰۸-۵۰۹؛ دایرة المعارف الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۸-۷۹ - ۲ .

۳. دانشنامه امام علی (ع)، ج ۸، ص ۳۵۶ - ۳ .

۴. همان، ص ۳۵۹؛ بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۸ - ۴ .

۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۷ - ۵ .

۶. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۴۱ - ۶ .

۷. الدرالمنثور، ذیل آیه ۱۶، سوره اسراء - ۷ .

۸. بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۱- ۸ .